

بخش اول:

کلیات

بخش اول: کلیات

۱-۱ بیان مسئله

با تأسیس حکومت صفوی در سال ۹۰۷ ه.ق تحولی اساسی در وضعیت ایران به وجود آمد تشکیل این دولت از حوادث مهم نه تنها در ایران بلکه در تاریخ اسلام است. تشکیل یک دولت قدرتمند که گرایش تمرکز گرایی داشت علاوه بر آنکه وحدت سیاسی ایران را تضمین کرد توانست ایران را در مقابل تجاوزات همسایگان شرق و غرب محفوظ دارد و ۲۵۰ سال حکومت نماید. این قدرت و تمرکز تمام جنبه‌های زندگی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد.

در طی این دوره منابع بسیاری تدوین شده‌است که طبیعتاً شیوه تاریخ نگاری و تاریخ‌نگاری آنها از تحولات سیاسی و اجتماعی آن عصر تأثیر پذیرفته است. اما کمتر به صورت تطبیقی این منابع با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

این پژوهش در صدد بوده است دو اثر مهم از این دوره یعنی خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی را به لحاظ تاریخ نگاری و تاریخ نگری به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه نماید. کتاب خلاصه التواریخ اثر قاضی احمد مربوط به قرن دهم و عالم‌آرای عباسی اثر اسکندر بیگ منشی اثری است که در قرن یازدهم پدید آمده است.

کتاب خلاصه التواریخ در اصل یک تاریخ عمومی است اما بخشی که مورد نظر این پژوهش است جلد پنجم این کتاب می‌باشد که در دو جلد به چاپ رسیده است و تاریخ صفویان را از دوره شیخ صفی تا اوایل حکومت شاه عباس اول در برمی‌گیرد.

کتابی که با این اثر مقایسه شده‌است عالم‌آرای عباسی اثر اسکندربیک منشی می‌باشد که مربوط به قرن یازدهم و یکی از شاهکارهای تاریخ نگاری این دوره می‌باشد. با توجه به این مسئله که اسکندربیک شاگرد قاضی احمد قمی بوده است بدون اینکه نامی از استاد خویش در کتابش

بیاورد و همچنین هر دو اثر در مورد دوره‌ی صفوی هستند و از ویژگی‌های تاریخ نگاری این دوره طبیعتاً پیروی می‌کنند.

بنابراین انتخاب این دو کتاب با توجه به قرار داشتن هر دو اثر (خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی) در سیر تاریخ نگاری دوره‌ی صفوی در دو قرن متوالی و شرایطی که به لحاظ رویکرد سیاسی متفاوت است، یعنی هریک از این دو دوره ویژگی‌های خاص خود را دارند و مقایسه‌ی تاریخ نگاری این دو اثر می‌تواند مثمر ثمر باشد.

این رساله درصدد است مسائلی چون ارتباط آنان با دربار، دسترسی به منابع، شاهد ماجرا بودن و شباهت‌هایی از جمله واقعه نگاری و عدم تحلیل وقایع، تقسیم بندی حوادث بر اساس وقوع و شباهت دو مورخ از نظر مقام و جایگاه اجتماعی، استفاده از اشعار و نقش آنان در تحولات تاریخ نگاری صفوی را مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر آن وجود تفاوت‌هایی مانند انسجام و سازمان‌دهی منظم در عالم‌آرا و عدم رعایت این نکته توسط قاضی احمد باعث شده‌است که این دو اثر تاریخی قرن دهم و یازدهم برای بررسی تطبیقی و مقایسه مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱ سوالات پژوهش

۱. چه شباهت‌هایی بین تاریخ نگاری اسکندربیک منشی در عالم‌آرا و خلاصه التواریخ اثر قاضی احمد وجود دارد؟

۲. چه تفاوت‌هایی بین تاریخ نگاری عالم‌آرای عباسی و خلاصه التواریخ وجود دارد؟

۳. موقعیت و جایگاه نویسندگان عالم‌آرای عباسی و خلاصه التواریخ چه تأثیری در تاریخ

نگاری آنها گذاشته‌است؟

۳-۱ فرضیات

۱. خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی از نظر محتوا و سبک نوشتار و شیوه‌ی

سالشماری و واقعه نگاری شبیه به هم هستند.

۲. خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی از نظر توجه به واقعیات اجتماعی دیدی

یکسان ندارند.

۳. جایگاه و موقعیت اجتماعی نویسندگان خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی باعث

پیروی آنها از سبک تاریخ‌نگاری درباری و سیاسی و نوعی تملق‌گویی در آثار

آنها شده است.

۱-۴ تعریف مفاهیم و واژگان

بررسی تطبیقی:

تطبیق به معنی برابر کردن دو چیز با هم است و بر این اساس در پژوهش حاضر منظور از بررسی تطبیقی، مطالعه دو کتاب خلاصه التواریخ و عالم‌آرا از طریق مطابق نمودن و برابر کردن این دو اثر از نظر سبک و محتوی و سپس پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها می‌باشد. از آنجائیکه روش تحقیق در پژوهش حاضر روش تاریخی می‌باشد و روش تاریخی هم مبتنی بر تحلیل و استنتاج است، سه ویژگی این روش توصیفی، انتقادی و مقایسه‌ای بودن است. بر همین اساس در این رساله سعی شده است با مطالعه دو اثر و فیش‌برداری از آنها در شاخصه‌هایی که از نظر سبک و محتوا مورد نظر پژوهش هستند، دو اثر مورد مقایسه قرار گرفته و سپس با دیدی انتقادی و توصیفی نتیجه ارزیابی بیان شود.

تاریخ‌نگاری:

توصیف مکتوب احوال انسان، با تکیه بر هر روش، مکتب و شیوه تنظیم و تدوین خاص با استفاده از مشاهدات شخصی، گفته‌های شاهدان و استفاده از اسناد و منابع هم‌زمان رویدادها، تاریخ‌نگاری نام دارد و معنای خاص تاریخ‌نگاری ثبت وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه انسانی می‌باشد.

تاریخ نگاری ایران پس از دوره‌ی اسلامی راه تکامل را پیمود و در آغاز به زبان عربی بود بنابراین به دوره‌ای که از اوایل سده‌ی چهارم هجری شروع می‌شود و تواریخ به زبان فارسی تدوین شده است تاریخ نگاری ایرانی می‌گویند. در تاریخ نگاری با توجه به شرایط و زمان و مکان از نظر شکل و بینش و روش و شیوه تنظیم همواره ویژگی‌های خاصی حکمفرما بوده است که در این پژوهش، آنچه که از مفهوم تاریخ نگاری مورد نظر است، بررسی ویژگی‌های تاریخ نگاری دو اثر (خلاصه التواریخ و عالم‌آرا) از نظر شکل محتوا به صورت مقایسه‌ای می‌باشد.

عصر صفوی:

سلسله صفویه در سال ۹۰۷ هـ.ق توسط شاه اسماعیل تأسیس شد، که در این دوره حکومتی غیر متمرکز بود و بقایایی از حکومت‌های تجزیه شده و رو به زوال ترکمانان (آق قویونلو و قره‌قویونلو) در غرب و تیموریان در شرق بودند.

در دوره طهماسب و به ویژه بعدها دوره شاه عباس حکومت صفوی کاملاً تثبیت شد، دوره شاه عباس دوره اوج و شکوفایی علمی و فرهنگی و سیاسی صفویه بود. اما با مرگ شاه عباس اول حکومت صفوی بتدریج در سرراشویی ضعف و سقوط افتاده و حمله افغان‌ها باعث سقوط این سلسله در سال ۱۱۳۸ هـ.ق شد، آخرین بازماندگان صفوی تا سال ۱۱۴۸ هـ.ق در برخی مناطق از جمله مازندران از قدرت محدودی برخوردار بود و در این سال با جلوس نادر خاندان صفوی به طور کلی به دست وی منقرض شد.

از ویژگی‌های دوره صفویه رسمیت یافتن مذهب تشیع به وسیله‌ی شاه اسماعیل برای نخستین بار در ایران و وحدت و تمرکز سیاسی و دیوانی و اقتصادی و اجتماعی و قدرت سیاسی حکمرانان صفوی می‌باشد که شکل‌گیری این تمرکز به تدریج بود، و در دوره عباس اول به اوج خود رسید.

در این پژوهش به طور کلی حوادث ذکر شده در دو کتاب خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی، مد نظر ما می‌باشد، قاضی احمد تأکید و توجه اصلی‌اش روی دوره اسماعیل اول و طهماسب بوده است و وقایع را تا سال ۹۹۹ هـ ق یعنی سال پنجم پادشاهی شاه عباس ادامه می‌دهد و اسکندر بیگ هم وقایع را از آغاز صفویه تا پایان پادشاهی شاه عباس آورده است ولی حیطه‌ی اصلی کارش دوره شاه عباس اول (۹۹۶ هـ ق - ۱۰۳۸ هـ ق) می‌باشد.

۱-۵ روش تحقیق

در این تحقیق، تکیه اصلی و کار اساسی بر روی دو کتاب خلاصه التواریخ اثر قاضی احمد قمی و عالم‌آرای عباسی اثر اسکندر بیگ منشی به صورت تطبیقی بوده و از روش توصیفی-تحلیلی (روش اصلی در تحقیقات تاریخی) بهره برده شده است البته بایستی بر این نکته تأکید نمود که پژوهش مورد نظر بیشتر توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات همان روش متداول در علوم انسانی یعنی روش کتابخانه‌ای است و با بررسی متن و محتوای کتابها و تنظیم فیش‌های تحقیقاتی و بررسی تطبیقی جداسازی اطلاعات بدست آمده و آثار و مقالات نوشته شده در مورد آنها و نظریات مفید در این زمینه سعی شده است با استفاده از تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از مطالب مندرج در این کتابها، به نظریات و بررسی‌ها در مورد تاریخ نگاری دوره صفویه و این دو کتاب و مقایسه‌ای مفید و جامع به صورت جزئی به تمامی جوانب و مطالب کتابها پرداخته شود و نتیجه بررسی با توجه به آن به صورت توصیفی ارائه گردیده است.

۱-۶ پیشینه پژوهش

تنوع و تعداد زیاد منابع مربوط به دوره‌ی صفوی حوزه‌ی تاریخ و تاریخ نگاری این دوره را همیشه نیازمند به پژوهشی نوین نموده است. اما از جمله منابعی که توجه به آنها بسیار کم بوده است خلاصه التواریخ اثر قاضی احمد قمی است و در مورد این کتاب هیچ تحقیق و پژوهشی به صورت مجزا با بررسی کلیه جوانب صورت نگرفته است جز در اثرهای مربوط به تاریخ نگاری

صفوی به صورت عمومی که آن هم طبیعتاً کامل نیست. البته مقدمه‌ای بر این اثر توسط احسان اشراقی نوشته شده و علاوه بر آن مقدمه‌ای توسط هانس مولر مترجم آلمانی بخش شاه عباس این اثر در ترجمه آن نوشته شده است که اطلاعاتی مفید در مورد دو اثر و نویسنده آن در اختیار ما می‌گذارند.

در مورد کتاب عالم‌آرای عباسی یک پایان‌نامه و چند مقاله یافت شد که هیچ کدام از این آثار به مقایسه‌ی این کتاب با خلاصه التواریخ نپرداخته‌اند و همگی در مورد عالم‌آرای عباسی هستند تنها به توصیف و نقد این اثر پرداخته‌اند.

پایان‌نامه‌ای که توسط شهین فارابی نوشته شده و محل دفاع آن دانشگاه الزهرا است و عنوان آن «جایگاه اسکندر بیگ منشی در تاریخ نگاری عصر صفوی» می‌باشد در صفحه (۱۲) راجع به منابع دوره صفویه مختصراً از کتاب خلاصه التواریخ و نویسنده آن یاد می‌شود و سپس هم در صفحه (۱۳۵) پایان‌نامه از نامه‌ای یاد می‌شود که توسط شاه طهماسب برای شاه سلیم عباسی نوشته شده و عین نامه که در خلاصه التواریخ آمده است در عالم‌آرای عباسی هم این قبیل نامه‌ها و اسناد به چشم می‌خورد. بنابراین در این پایان‌نامه هیچ مقایسه و تطبیقی صورت نگرفته و بحثی از شباهت‌ها و تفاوت‌های دو کتاب نمی‌شود ولی اثر مزبور مطالب مفیدی را از جهات مختلف در مورد عالم‌آرا بیان می‌کند.

علاوه بر این برخی از محققان ایرانی و اروپایی درباره‌ی تاریخ نگاری صفویه و نیز تاریخ عالم‌آرای عباسی تحقیقاتی انجام داده‌اند:

از جمله «راجر سیوری» علاوه بر آنکه تاریخ عالم‌آرای عباسی را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است مقدمه‌ای انتقادی بر آن نوشته است و نیز چند مقاله در مورد این کتاب دارد که عبارتند از:

« تحلیلی از تایخ و تاریخ نگاری دوران صفویه » و « تاریخ عالم آرا ، متنی سخت، طاقت فرسا

و ملال آور» دو مقاله از وی هستند، در کتاب در باب صفویان هر دو به فارسی ترجمه شده‌اند اما هر دوی این مقالات فقط به بحث و بررسی در مورد عالم آرا پرداخته‌اند و از خلاصه التواریخ بحثی نمی‌کنند و هیچ مقایسه‌ای هم صورت نگرفته است.

شعله کوئین، رساله دکتری خود را در مورد تاریخ نگاری دوره شاه عباس نوشته است.¹ و بر اساس همین رساله کتابی منتشر نموده است که این اثر توسط منصور صفت گل با عنوان «تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس اول» به فارسی ترجمه شده است، کوئین در اثر خویش به بررسی اندیشه، گرده برداری و مشروعیت در متون تاریخی عهد صفویه و بویژه دوران شاه عباس می‌پردازد، طبیعتاً در میان این متون دو کتاب خلاصه التواریخ و عالم آرا از نمونه‌های مورد بررسی می‌باشند ولی مقایسه‌ای به صورت خاص بین این دو اثر صورت نگرفته است.

محققان ایرانی از جمله:

کتاب «اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی» تألیف محمد باقر آرام از جمله آثاری می‌باشد که به بررسی تاریخ نگاری دوره صفوی پرداخته است اما همچنانکه از عنوان کتاب پیداست آثار دوره صفوی را به طور کلی بررسی کرده و در مورد اندیشه‌های رایج در تاریخ نگاری این دوره بحث نموده است که حاوی نکاتی مهم در مورد تاریخ نگاری این عصر و حتی دو اثر خلاصه التواریخ و عالم آرای عباسی می‌باشد اما مقایسه‌ای بین دو اثر به شکلی که مد نظر پژوهش حاضر است به چشم نمی‌خورد.

جهانبخش ثواقب در کتاب خویش تحت عنوان «تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و

مآخذ» به صورتی کوتاه و نسبتاً جامع به معرفی دو کتاب عالم آرا و خلاصه التواریخ پرداخته است

¹ - "Historical writing during the Reign of Shah Abbas, Ideology, Imitation and Legitimacy in safavid chronicles". The university of utahpress. Salt lake city. 2000

البته به صورت جداگانه و ضمن بررسی تمام منابع دوره صفوی و بدون آنکه هیچگونه مقایسه‌ای صورت گیرد.

مقاله‌ای تحت عنوان «اسکندر بیگ منشی» اثر ابوالفضل خطیبی به بحث در مورد نویسنده عالم‌آرا و کتابش پرداخته است.

محمد حسین رازنهان در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ نگاری عالم‌آرای عباسی در نگاهی به چاپ جدید آن» به صورت انتقادی به معرفی عالم‌آرا عباسی و مسائل مربوط به چاپ جدید آن پرداخته است.

نفیسه واعظ شهرستانی نیز مقاله‌ای تحت عنوان «نقد و ارزیابی تاریخ نگاری اسکندر بیگ منشی در عالم‌آرای عباسی» دارد که این مقالات همگی در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا چاپ شده‌اند و به بحث در مورد عالم‌آرا می‌پردازند، و هر سه مقاله فقط در مورد کتاب عالم‌آرا و موضوعات آن بررسی و پژوهش نموده‌اند و هیچ کدام از این آثار و مقالات هدفشان بررسی مقایسه‌ای نبوده و به این مسئله نپرداخته‌اند. نوش‌آفرین انصاری در مقاله‌ای با عنوان «اوضاع اجتماعی در عالم‌آرای عباسی» در مجله گوهر شماره هشتم در مورد اوضاع اجتماعی دوران صفویه در کتاب عالم‌آرای عباسی به بحث پرداخته و هیچ معرفی و مقایسه‌ای صورت نگرفته است.

عطاء... حسنی در مقاله «تاریخ نگاری صفویه با تأکید بر عالم‌آرای عباسی» به بحث و بررسی در مورد عالم‌آرای عباسی پرداخته است اما هیچگونه مقایسه‌ای صورت نگرفته است.

با وجود همه کوشش‌های بعمل آمده مقاله یا اثری که به صورت خاص، فقط در مورد خلاصه‌التواریخ و نویسنده‌ی آن باشد یافت نشد. و همچنین باید به این نکته توجه داشت که با توجه به بررسی‌ها و پیشینه‌یابی هنوز هیچ پژوهشی به صورت مقایسه‌ای که مد نظر رساله‌ی زیر می‌باشد، صورت نگرفته است. این آثار هیچکدام هدف مورد نظر این رساله را نداشته‌اند اما می‌توانند در این پژوهش مورد استفاده قرار گیرند.

۷-۱ بررسی و نقد منابع

خلاصه التواریخ :

این کتاب یک تاریخ عمومی پنج جلدی است که فقط جلد پنجم آن (مربوط به وقایع دوره صفویه می‌باشد) باقی مانده است، نویسنده این اثر، قاضی احمد قمی، در سال ۹۸۴ هـ.ق به تشویق شاه اسماعیل دوم نوشتن آن را شروع نموده و در سال ۹۹۹ هـ.ق (در دوره شاه عباس اول) نوشتن آن را به پایان رساند. وی اثر خویش را به شاه عباس تقدیم نموده است.

قاضی احمد قمی که خودش و پدرش از جمله منشیان دربار شاه طهماسب اول بوده‌اند و در نوشتن فرمان‌ها و نامه‌های سیاسی و اداری شرکت داشته‌اند، از کلیه جزئیات حوادث مهم با خبر بوده و به صورت مستند وقایع را با ذکر منبع و سند مربوطه و یا آوردن عین متن سند و مکتوبات بیان می‌کند، بنابراین اثر وی دارای اعتبار خاصی است.

این اثر علاوه بر وقایع سیاسی به مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه هم توجه دارد قاضی احمد قمی در کنار نخبگان سیاسی از شرح حال نخبگان فرهنگی هم غافل نبوده است، او برای تبیین حوادث مورد بحث خویش از اشعار و امثال و حکایات بهره برده و نثر کتاب خلاصه التواریخ مشحون از صنایع و آرایه‌های ادبی است، ولی در عین حال ساده و روان می‌باشد.

عالم‌آرای عباسی:

تاریخ عالم‌آرای عباسی از تواریخ اختصاصی دوره صفوی است، که به درخواست شاه عباس اول توسط اسکندر بیگ منشی نوشتن این اثر از سال ۱۰۲۵ هـ.ق شروع شده و در سال ۱۰۳۸ هـ.ق به پایان رسیده است.

اسکندر بیگ همچنانکه از لقبش پیداست منشی دربار شاه عباس اول بوده و در نوشتن نامه‌ها و اسناد و مکاتبات سیاسی دخالت داشته است و بنابراین از نزدیک با دولتمردان در تماس

بوده و در اکثر وقایع مهم یا حضور داشته و یا از نزدیکان ماجرا را شنیده و با دقت حوادث را بیان می‌کند و نوشته‌های او از اعتبار کافی برخوردار است.

تاریخ عالم‌آرای عباسی سه جلد می‌باشد که در جلد اول درباره خاستگاه صفویان و اجداد آنها و مختصری در مورد احوال پیامبر (ص) و ائمه آورده است و سپس حوادث دوران اولین شاهان صفویه تا آغاز پادشاهی شاه عباس اول را بیان می‌کند.

در جلد دوم به بحث در مورد سی سال اول پادشاهی شاه عباس اول پرداخته و در جلد سوم وقایع دوازده سال باقیمانده پادشاهی او را آورده است.^۱

نثر کتاب عالم‌آرای عباسی را می‌توان یک نثر بینابین دانست، گاه ساده و روان است و در بعضی حوادث هم دشوار و متکلف می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که هر دو اثر منابع اصلی و مورد بررسی این پژوهش می‌باشند پس در مورد آنها در طول رساله بحث شده است و نیازی به بحث بیشتر در این قسمت در مورد آنها نیست، تکیه و اساس کار این رساله روی بررسی این دو منبع بوده است.

¹ - عالم‌آرای عباسی دو بار تصحیح شده است. یکی تصحیح عالم‌آرا به بوسیله دکتر ایرج افشار و دیگری بوسیله دکتر اسماعیل رضوانی می‌باشد. این پژوهش بر اساس تصحیح دکتر افشار صورت گرفته است.

بخش دوم:

**چگونگی شکل‌گیری و تحولات
سیاسی، مذهبی و فکری عصر
صفوی**

بخش دوم: چگونگی شکل‌گیری و تحولات سیاسی، مذهبی و فکری عصر صفوی

تأسیس حکومت صفوی، حاصل تلاش جماعتی از مردان است که بر اساس عقاید و افکار صوفیگری و رابطه مرید و مرادی جمع شده بودند، شیوخ صفویه طی قرن‌ها توانسته بودند برای خود مریدانی جمع آورند که این مریدان سرانجام با رهبری اسماعیل دولت صفوی را ایجاد کردند. صفویان نام خود را از جد خانواده خود، بنام صفی‌الدین که در سال ۶۴۹ ه.ق در ناحیه اردبیل متولد شده بود گرفتند. وی ابتدا در سلک مریدان شیخ زاهد گیلانی درآمد و با دختر وی بی‌بی فاطمه ازدواج نمود، از نظر معنوی هم توانست به مقام و درجه بالایی نزد شیخ زاهد برسد. اعتماد شیخ به صفی‌الدین به جایی رسید که او را به عنوان جانشین خویش انتخاب نمود.^۱

در دوره‌ی شیخ صفی‌الدین و مدتی بعد از او در دوره جانشینانش (صدرالدین، خواجه علی و شیخ ابراهیم) جنبه مذهبی طریقت صفوی برتری داشت، رهبری این طریقت همواره برعهده‌ی یکی از صفویه و آنهم همواره فرزند مرشد پیشین بود که تعیین جانشین به موقع مناسب از جانب مرشد صورت می‌گرفت، اما باید در نظر داشت که جانشین پدر همیشه لزوماً فرزند ارشد نبود.^۲

طریقت صفوی در دوران شیخ صفی و سه نفر جانشین وی به استثنای دوره شیخ صدرالدین که امیرچوپان در اواخر حکومتش با عناد و دشمنی نسبت به او رفتار می‌کرد^۳، از احترام زیادی نزد مراجع قدرت برخوردار بود. ایلخانان مغول در مقابل شیخ صفی و آل جلایر نسبت به صدرالدین با کرنش و احترام رفتار می‌کردند و تیمور و اعقاب او برای خواجه علی احترام خاصی قائل بودند و در خلال دوره‌ی قره قویونلو و آق‌قویونلو هم، احترام سران سیاسی در مقابل شیوخ صفویه ادامه داشت.^۳

^۱ - تاریخ حبیب السیر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی، جلد ۴، تهران، کتابفروشی خیام، سال ۱۳۵۳، ص ۴۲۷-۴۱۰، تشکیل دولت ملی، والتر هینتس، ترجمه: کیکاوس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، صص ۱-۳

^۲ - تاریخ حبیب السیر، صص ۴۲۷-۴۱۰، تشکیل دولت ملی صص ۸-۷

^۳ - خلاصه‌التواریخ، قاضی احمد قمی، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۲۴

۳ - پیدایش دولت صفوی، میشل مزاولی، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات گستره، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹.

فعالیت‌های مذهبی - سیاسی صفویان از دوره‌ی شیخ جنید (۸۶۴-۸۵۱) وارد مرحله‌ی جدیدی شد، او که از مریدان خویش به صورت نیروی نظامی استفاده می‌کرد، در نبرد با شروانشاهان کشته شد و پسرش حیدر راه وی را در مقابل شیروانیان ادامه داد و به نبرد با چرکسها پرداخت.^۴

شیوخ صفوی اگرچه قبل از دوره‌ی جنید هم با سران سیاسی رابطه داشتند، ولی این ارتباط مبتنی بر جدائی قدرت معنوی و دنیوی بود اما از دوره جنید این رویه از بین رفت. تا اینکه حیدر با ازدواج با دختر اوزون حسن پیوند با سران سیاسی را مستحکم‌تر نمود. علاوه بر ایجاد روابط فامیلی با آق‌قویونلوها شیخ حیدر اصول و تشکیلاتی را برای طریقت خود برگزید، وی لباس متحدالشکلی برای پیروان خود انتخاب نمود و مقرر شد که پیروانش به جای کلاه ترکمنی، کلاه حیدر (که کلاه دوازده ترک سرخ رنگ بود) بر سر گذارند.^۱

پس از مرگ حیدر اسماعیل اول، پسر او، با شکست رقیبان و تأسیس حکومت صفوی در سال ۹۰۷ موفق شد بوسیله رسمیت بخشیدن به مذهب تشیع و ایجاد حکومت مرکزی به آسفتگی‌های داخلی ایران خاتمه دهد، نیروی اصلی نظامی وی برای تحقق اهدافش قزلباشهای ترک‌نژاد بودند که روز بروز به اعتبار و نفوذ آنها افزوده می‌شد و طهماسب اگرچه سعی کرد راه اسماعیل را ادامه دهد، ولی به وجود آمدن قدرتهای محلی در مناطقی مانند سیستان و یزد و نفوذ و قدرت نظامی و مالی قزلباشها باعث سوءاستفاده آنها از موقعیت شد.^۲

دوره شاه طهماسب تحولات نهادهای سیاسی نظامی شروع شد، او پس از مقابله با عثمانیها و انعقاد معاهده صلح آماسیه طی سالهای ۹۶۰-۹۴۶ ه.ق چهار لشکرکشی به قفقاز داشت و در طول این لشکرشیها اسیران گرجی و چرکس و ارمنی را با خود به ایران آورد، که ورود این گروه نژادی تغییر عمیقی در ماهیت جامعه صفوی ایجاد کرد و تأثیراتی بر نهادهای سیاسی نظامی

^۴ - عالم‌آرای صفوی، به کوشش: یدالله شکر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۳، صص ۳۳-۲۶.

^۱ - تشکیل دولت ملی، صص ۹۳-۹۱، ۸۸، ۱۵.

^۲ - تکمله‌الاجبار، عبدی بیگ شیرازی، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹، صص ۱۲۰-۳۶.

گذارد، قبل از ورود این عناصر جدید دو گروه ترک و تاجیک برای بدست آوردن قدرت و مقامات دولتی رقابت داشتند ولی بعد از مدتی دریافتند که حضور گرجیها تهدیدی برای موقعیتشان است. از این گذشته، حضور زنان گرجی هم در حرم سلطنتی نوع جدیدی از مبارزات را برای به سلطنت رسیدن فرزندانشان موجب شد.

با روی کار آمدن شاه عباس اول، این نیروی سوم سازمان یافت و به تدریج قدرت قزلباشها روبه کاهش رفت به طوری که، در دوره‌ی بعد از طهماسب گرجیان را در مقامات مهمی چون حکومت ایالات و یا حتی مقام للگی منصوب می‌نمودند.^۱

اما قشون جدید که از گرجیان تشکیل شد و مستقیماً متکی به شاه بود، مشکل نگهداری و پرداخت حقوق را برای شاه‌عباس اول ایجاد کرد، بنابراین وی و سایر پادشاهان صفوی تلاش خویش را صرف انباشتن خزانه خصوصی کردند و درصدد رفع اختلاف بین دیوان و خاصه بودند. شاهان که خواهان جمع ثروت و تیولات بودند، املاکشان در نواحی مختلف کشور افزایش یافته، حکومت‌های محلی از میان رفت و حکومت مرکزی به وجود آمد.^۲

در چنین شرایطی املاک تیول جای خود را به زمینهای خالصه فردی داده و سلاطین به بزرگترین سرمایه‌داران تبدیل شدند آنها در تلاش خویش برای افزایش ثروت حتی با بازرگان اروپایی به معاشرت و گفتگو پرداختند نقطه آغاز این تحول و تلاش برای برچیدن حکومت خانی و عشیرتی و ایجاد حکومت مطلقه و استبدادی دوران شاه‌عباس بود.^۳

شاه اسماعیل برای اداره‌ی تشکیلات دولتی با مشکل تقسیم قدرت و توزیع مناصب دولتی مواجه بود از سویی ترکان قزلباش که در پیروزیها و قدرت‌یابی وی نقش اساسی داشتند و از طرف دیگر عناصر ایرانی قرار داشتند که این عناصر ایرانی یا تا جیکها تا چندی پیش اداره‌کننده‌ی تشکیلات دیوانی بودند وی برای حل این مشکل اقداماتی انجام داد.

^۱ - ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۹، صص ۶۴-۶۲.

^۲ - سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۴، صص ۲۰-۱۸.

^۳ - همانجا.

نخستین اقدام او ایجاد مقام «وکیل نفس نفیس همایون» بود که نایب و نماینده او به حساب می‌آمد، دومین اقدام او بالا بردن مقام صدر و افزودن قدرت وی به منزله‌ی رابطی بین طبقه روحانی و امرای قزلباش بود. و اقدام دیگر شاه اسماعیل اعطای مناصب امیرالامرای یا فرماندهی کل سپاه و قورچی باشی گری به سران قزلباش بود، در واقع ایرانیان که صاحب قلم بودند صاحب مناصب صدارت و وزارت شدند و قزلباشها مناصب نظامی و وکالت و امارت را تصاحب کردند.^۱

در سالهای اولیه حکومت شاه اسماعیل اول، اهمیت مقام وکالت افزایش یافت و به همان میزان از قدرت وزیر کاسته شد و این منجر به افزایش قدرت قزلباشها گردید.^۲ اما در دوره‌ی سلطنت شاه طهماسب دوباره وکالت و امیرالمرائی نفوذ و جایگاه پیشین خویش را از دست دادند و نقش و اهمیت وزیر افزایش یافت به طوری که مقام وزارت و وکالت تدریجاً در همدیگر ادغام شدند.^۳

آرامش و ثباتی که در دوره‌ی طهماسب به وجود آمده بود با مرگ وی و درگیریها و اختلافات قزلباشان بر سر جانشینی و کسب قدرت به پایان رسید، تا اینکه سرانجام اسماعیل دوم به قدرت رسید، اسماعیل دوم پسر و جانشین طهماسب دستور داد که از لعن خلفای راشدین در خطبه‌ها و مساجد جلوگیری و از آویختن اشعار طنزآمیز پرهیز شود اما این مساله باعث خشم قزلباشها و روحانیون و شایعه‌ی تمایل او به تسنن شد، بنابراین وی در اقدام بعدی برای رفع این اتهام سکه ضرب کرد و دستور داد یک بیت شعر که نشان از ارادت وی به خاندان علی(ع) بود روی آن نقش کنند.^۴

۱- ایران عصر صفوی، صص ۲۹-۳۳.

۲- ایران عصر صفوی، صص ۳۳.

۳- همان، ص ۵۴. و نیز: خلاصه‌التواریخ، صص ۳۶۷-۳۶۶.

۴- نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، محمود بن هدایت ا. افوشته‌ای نطنزی، به اهتمام: دکتر احسان اشراقی، تهران بنگاه چاپ و نشر کتاب، ۱۳۵۰، صص ۳۹-۴۲.

جانشین اسماعیل دوم، محمد خدابنده از ضعف بصری شدید رنج می‌برد و قادر به اداره‌ی مملکت نبود، عملاً اداره‌ی کشور در دست همسرش خیرالنساء بیگم قرار گرفت.^۱ بذل و بخششهای سلطان محمد در آغاز سلطنت و بی‌کفایتی او بازار ارتشاء و رشوه‌خواری را رواج داد و باعث شیوع فساد در ارکان دولت و اعضای دیوانسالاری گشت، در نتیجه آشوب و منازعات داخلی، باردیگر دشمنان خارجی سر برآورده و از شرق و غرب (عثمانی و ازبکان) به ایران هجوم آوردند.^۲

تغییر در اساس اجتماعی و سیاسی دولت صفوی، در ساختار اداری منعکس گردید، کاهش قدرت قزلباشها از موقعیت مسلطشان، به معنای افزایش قدرت وزیر بود. شاه‌عباس برای جانشینی وکیل و امیرالامراء در رده بالای ساختار اداری صفویه مقام صدرلشکر را ایجاد کرد اما این مقام به یک گرجی بنام ... وردیخان داده شد و با این اقدام از ایجاد اختلاف بین ترک و تاجیک، که در صورت انتصاب یک ترک یا یک ایرانی به این مقام گریزناپذیر بود، اجتناب کرد. و توانست با تعادل بین نیروهای ترک و ایرانی و قفقازی به این نیروها انسجام بخشد،^۳ و حکومت صفوی به اوج تمرکز و قدرت رسید، که این تمرکز حکومت و دیوانسالاری قدرتمند عالم‌آرای عباسی به خوبی انعکاس یافته است.

در دوره‌ی شاه‌عباس اول حکومت از شیوه‌ی دین‌سالارانه‌ی خویش تا حدی جدا شد، وی به طور کلی تعصب کمتری نسبت به مذاهب نشان می‌داد، اگرچه با علاقه به ترویج و تقویت تشیع پرداخت اما رفتار ملایم وی با پیروان سایر مذاهب و وجهه ویژه‌ای به دربار شاه‌عباس از نظر سیاست خارجی بخشید. با بررسی و مطالعه تطبیقی دو کتاب خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی این دیدگاه را در نوشته‌های اسکندر بیگ می‌توان مشاهده نمود که وی در ثبت وقایع از تعصب مذهبی کمتری نسبت به قاضی احمد قمی برخوردار است و این شاید به همین دلیل است که آنان منعکس‌کننده‌ی اندیشه‌های دوره‌ی مورد بحث خویش هستند.

^۱ - عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۲۳.

^۲ - عالم‌آرای عباسی، ص ۲۲۸.

^۳ - ایران عصر صفوی، ص ۸۹-۹۰.

با وجود اینکه از نظر رشد علمی و فرهنگی و از نظر قدرت و تمرکزگرایی دوره شاه‌عباس اول دوره اوج و شکوفایی حکومت صفویه محسوب می‌شود ولی سیاست شاه‌عباس اول در زمینه‌ی محدود کردن قدرت شاهزادگان صفوی از جمله عوامل ضعف و انحطاط صفویان محسوب می‌شود، یعنی او با این اقدام زمینه‌ای ایجاد کرد برای این مهم که همه‌ی جانشینانش به استثنای شاه‌عباس دوم فرمانروایان نالایقی باشند و نتوانند تعادل و ثبات دوران عباس اول را حفظ کنند^۱ و در نتیجه بتدریج و با دخالت فاکتورهای متعدد حکومت صفویه رو به سقوط رفت.

از نظر فکری، سواى رواج ایدئولوژی مذهب تشیع و وجود نظام فکری دوران اسلامی و عقیده به مقام ظل‌اللهی شاهان صفوی آنچه شایان توجه است. علوم رایج زمان می‌باشد که در زمینه شعر و ادب علاوه بر اینکه پادشاهانی مانند شاه اسماعیل اول و محمد خدابنده خودشان سروده‌های دارند و به ترتیب خطایی و فهمی تخلص می‌کرده‌اند، طهماسب اول همواره حامی شعرا بوده است و آنها را دوستان صمیمی خویش می‌دانست و شاه‌عباس ارزش و احترام خاصی برای شعرا قائل بود.

فلسفه و حکمت را ملاصدرا نه تنها زنده کرد بلکه بینش فکری نوینی را بنیاد نهاد و در این عصر پزشکان مرتبه‌ی والایی داشتند به طوری که گاه تا مقام وزارت می‌رسیدند و ... به طور کلی می‌توان گفت که علوم مختلف نه تنها از بین نرفت بلکه به تکاپو و پیشرفت خویش ادامه داد.^۲

با مطالعه دو اثر خلاصه التواریخ و عالم‌آرای عباسی و بحثهایی که توسط این مورخین در مورد شعرا و ارباب علوم به صورت پراکنده در خلاصه التواریخ و به شکل منسجم در عالم‌آرا می‌آوردند می‌توان به این نکات صحنه گذاشت و پیشرفته‌ها و تحولات و ویژگیهای سیاسی و اقتصادی دوره‌های مورد بحث، که در خلاصه التواریخ از آغاز اسماعیل اول تا پنجمین سال

^۱ - ایران عصر صفوی، صص ۹۰-۹۲.

^۲ - همان، صص ۲۰۱-۲۲۴. (می‌توان با توجه به اهمیت دادن قاضی احمد مورخ عصر شاه طهماسب به شعر و شاعران و نیز نزدیکی افرادی چون قاضی محمد ورامینی و قاضی جهان و پسران او که در شعر سرودن ماهر بودند و بسیار هم به شاه طهماسب نزدیک بودند به این نقطه صحنه گذاشت. توجه شود به کتاب خلاصه التواریخ، صفحات ۴۶۲، ۴۲۸-۴۲۱، ۴۲۰)

حکومت شاه عباس و در عالم‌آرا از آغاز صفویه تا پایان حکومت عباس اول و بویژه دوره‌ی این پادشاه است بخوبی منعکس شده‌است، بطوریکه دو اثر از نمونه‌های اعلای تاریخ نگاری در عصر خویش می‌باشند.

بخش سوم:

سیر تاریخ نگاری در ایران بعد از اسلام تا دوره‌ی شاه عباس اول